

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانون یار اصول فقہ

مؤلف: وحید عظیمی تهرانی

وکیل پایه یک دادگستری

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان قراردادی
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- یادداشت
- یادداشت

- یادداشت
- عنوان روی جلد
- موضوع
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



- نام کتاب
- ناشر
- مولف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

عظیمی تهرانی، وحید، ۱۳۶۷ -
ایران. قوانین و احکام
قانون یار اصول فقه/ مولف وحیدعظیمی تهرانی؛
[برای] موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
تهران چتر دانش، ۱۳۹۴.

۴۶۵ص.
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۲۶-۹

چاپ دوم.

عنوان روی جلد قانون یار اصول فقه تشریح درس با زبانی
ساده و قابل فهم...

کتابنامه ص. ۳۳۲ - ۳۳۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
قانون یار اصول فقه تشریح درس با زبانی ساده و قابل فهم...

اصول فقه -- راهنمای آموزشی(عالی)

اصول فقه -- آزمون ها و تمرین ها (عالی)

دانشگاه ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون ها

موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

۱۳۹۴ ق ۲ ع/ ۱۵۵/ BP

۲۹۷/۳۱۰۷

۳۵۶۱۷۴۵

قانون یار اصول فقه

چتر دانش

وحید عظیمی تهرانی

یازدهم - ۱۴۰۱

۱۰۰۰

۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۲۶-۹

۶۰۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسؤل انتشارات چتر دانش



تقدیم ہے

روح بلند پر عزیزم مرحوم سعید عظیمی ترانی

کہ گرمی آفتاب پر برکتش زود بہ سردی کرایید

و

مادر مہربان و خدا کارم

فهرست

بخش ۱: الفاظ	۱۳
فصل اول: وضع الفاظ	۱۴
مبحث اول: شرح‌نامه	۱۴
مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی	۲۱
مبحث سوم: سوالات وضع الفاظ	۵۲
مبحث چهارم: وضع الفاظ در قالب نمودار	۶۵
فصل دوم: اوامر	۶۹
مبحث اول: شرح‌نامه	۶۹
مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی	۷۴
مبحث سوم: سوالات اوامر	۱۰۳
مبحث چهارم: اوامر در قالب نمودار	۱۲۳
فصل سوم: نواهی	۱۲۶
مبحث اول: شرح‌نامه	۱۲۶
مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی	۱۲۷
مبحث سوم: سوالات نواهی	۱۴۴
مبحث چهارم: نواهی در قالب نمودار	۱۴۹
فصل چهارم: مفهوم و منطوق	۱۵۰
مبحث اول: شرح‌نامه	۱۵۰
مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی	۱۵۵
مبحث سوم: سوالات مفهوم و منطوق	۱۸۶
مبحث چهارم: مفهوم و منطوق در قالب نمودار	۲۰۲

۲۰۵	فصل پنجم: عام و خاص
۲۰۵	مبحث اول: شرح‌نامه
۲۱۳	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۲۳۵	مبحث سوم: سوالات عام و خاص
۲۵۱	مبحث چهارم: عام و خاص در قالب نمودار
۲۵۴	فصل ششم: مطلق و مقید
۲۵۴	مبحث اول: شرح‌نامه
۲۵۸	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۲۷۲	مبحث سوم: سوالات مطلق و مقید
۲۷۸	مبحث چهارم: مطلق و مقید در قالب نمودار
۲۷۹	فصل هفتم: مجمل و مبین
۲۷۹	مبحث اول: شرح‌نامه
۲۸۱	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۲۹۰	مبحث سوم: سوالات مجمل و مبین
۲۹۲	مبحث چهارم: مجمل و مبین در قالب نمودار
۲۹۳	بخش ۲: ادلهٔ اربعه
۲۹۴	فصل اول: قرآن، سنت و اجماع
۲۹۴	مبحث اول: شرح‌نامه
۲۹۸	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۰۲	مبحث سوم: سوالات قرآن، سنت و اجماع
۳۰۹	مبحث چهارم: قرآن، سنت و اجماع در قالب نمودار
۳۱۲	فصل دوم: قیاس
۳۱۲	مبحث اول: شرح‌نامه

۳۱۷	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۲۶	مبحث سوم: سوالات قیاس
۳۳۲	مبحث چهارم: قیاس در قالب نمودار
۳۳۴	فصل سوم: عقل
۳۳۴	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۳۸	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۵۰	مبحث سوم: سوالات عقل
۳۵۶	مبحث چهارم: عقل در قالب نمودار
۳۵۸	فصل چهارم: استصلاح، استحسان، سد ذرایع و فتح ذرایع
۳۵۸	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۶۰	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۶۲	مبحث سوم: سوالات استصلاح، استحسان، سد ذرایع و فتح ذرایع
۳۶۶	مبحث چهارم: استصلاح، استحسان، سد ذرایع و فتح ذرایع در قالب نمودار
۳۶۷	فصل پنجم: عرف و عادت
۳۶۷	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۶۹	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۷۱	مبحث سوم: سوالات عرف و عادت
۳۷۳	مبحث چهارم: عرف و عادت در قالب نمودار
۳۷۴	فصل ششم: امارات
۳۷۴	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۷۸	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۸۰	مبحث سوم: سوالات امارات
۳۸۶	مبحث چهارم: امارات در قالب نمودار

۳۸۷	بخش ۳: اصول عملیه
۳۸۸	فصل اول: کلیات
۳۸۸	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۹۱	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۹۴	فصل دوم: اصل برائت
۳۹۴	مبحث اول: شرح‌نامه
۳۹۶	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۳۹۸	مبحث سوم: سوالات اصل برائت
۴۰۱	مبحث چهارم: اصل برائت در قالب نمودار
۴۰۳	فصل سوم: اصل تخیر
۴۰۳	مبحث اول: شرح‌نامه
۴۰۴	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۴۰۵	مبحث سوم: سوالات اصل تخیر
۴۰۶	فصل چهارم: اصل احتیاط یا اشتغال
۴۰۶	مبحث اول: شرح‌نامه
۴۰۹	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۴۱۰	مبحث سوم: سوالات اصل احتیاط و اشتغال
۴۱۲	مبحث چهارم: اصل احتیاط یا اشتغال در قالب نمودار
۴۱۳	فصل پنجم: اصل استصحاب
۴۱۳	مبحث اول: شرح‌نامه
۴۱۸	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۴۲۵	مبحث سوم: سوالات اصل استصحاب

۴۳۵	مبحث چهارم: اصل استصحاب در قالب نمودار
۴۳۷	فصل ششم: تعارض ادله
۴۳۷	مبحث اول: شرح‌نامه
۴۴۰	مبحث دوم: تطبیق مسائل با مواد قانونی
۴۵۴	مبحث سوم: سوالات تعارض ادله
۴۶۳	مبحث چهارم: تعارض ادله در قالب نمودار
۴۶۴	منابع و مآخذ

دیباچه

شرح احوال تو الحق بوالعجایب دفترست بنده یارب کی تواند کرد این شکر نعم

حافظ

در سال‌های اخیر، رویکرد طراحان محترم سئوالات بخش اصول فقه بر این بوده است که قواعد اصولی را در مواد قانونی پیاده کرده و آن‌ها را مورد پرسش قرار دهند. در کتاب پیشرو، سعی شده است تا مواد قانونی مهمی که می‌توان از چند منظر به آن‌ها نگریست، مورد بررسی قرار گیرند. ناگفته نماند که این کتاب وقتی پاسخگوی دقیق خواننده است که ذهن خود را معطوف و درگیر موارد دیگر اصول نیز بکند و این هدف میسر نخواهد شد مگر اینکه داوطلب با علاقه این کار را انجام دهد.

امروزه در حوزه اصول فقه کتاب‌های متعددی به چاپ رسیده است اما متأسفانه هیچ یک رافع نیازهای داوطلبان و خوانندگان نیستند. بسیاری، در پی سبک و سیاق جناب دکتر محمدی رفته و با افزودن چند مثال، اثری از خود برجای گذاشته‌اند. عده قلیلی نیز فقط از جزوات اساتید برتر برای چاپ و نشر کتاب خود بهره گرفته و در کیفیت کتاب خود، تغییر چندانی نداده‌اند. کتاب حاضر، که منبع اصلی آن، از یک سو پیشبرد اهداف و توضیحات کتاب جناب دکتر محمدی و از سوی دیگر کتاب مفید و موثر اصول فقه کاربردی است، سعی شده است تا از هرگونه گزافه‌گویی به دور بوده و تمرکز آن، تطبیق اصول با قانون و هر جا که لازم آمده برای روشن‌تر شدن مطلب مثالی آورده شود تا خواننده در درک مطلب آن دچار مشکل نشود. کتاب حاضر تنها اثری است که با چنین ایده و عنوانی خاص (قانون یار با توجه به این مهم که در کتاب اصول فقه با قوانینی تطبیق داده شده‌اند) به نگارش درآمده است. لذا نکات ذیل شایان توجه می‌باشد:

اول؛ تا آنجا که مقدور بوده سعی شده تا از الفاظ بسیار ساده و در عین حال حقوقی استفاده شود و در برخی مطالب که لازم شده، به توضیح تک تک الفاظ پرداخته‌ایم.

دوم؛ استفاده از لفظ ماده در کنار مواد قانونی است. به سه علت از لفظ ماده بجای نکته و... استفاده شده است:

- ۱- سعی شده است که بیشتر از الفاظ حقوقی استفاده شود و شاید به کارگیری ماده، ویژگی خاص دیگر این کتاب باشد. دیگر اینکه قصد بیان تعداد مواد و اصولی که مورد تحلیل قرار گرفته‌اند را داشته‌ام.
- ۲- با استفاده از این شیوه، تعداد موادی که تنها در مباحث تطبیق مسائل با مواد قانونی به کار رفته به وضوح، روشن می‌شود و این موارد غیر از مواد و توضیحاتی است که در شرح‌نامه و یا مباحث دیگر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

سوم آنکه؛ اولاً اصول فقه، جولانگاه استدلال است و نظریات مختلفی را می‌توان در آن مطرح نمود؛ لذا از خوانندگان محترم تقاضا دارم که تنها به قلم نگارنده اکتفا نکرده و از دانش و اطلاعات خود نیز مدد بگیرند تا این هر فصل از چهار مبحث تشکیل شده است تا اصطلاحات اصولی و آنچه که می‌خواهیم با قانون تطبیق دهیم، توضیح داده شود. سپس سراغ مثال‌های قانونی رفته و آن‌ها را با توضیحات، تطبیق داده‌ایم؛ لذا در برخی از مواد

قانونی (مانند امر)، انواع مختلفی ذکر شده که ممکن است این انواع با یکدیگر جمع شوند، بنابراین تنها موارد و اقسام ضروری و مهم را بیان کرده‌ایم تا از گزافه‌گویی به دور باشیم.

چهارم آنکه؛ پایان هر فصل به سؤالات چهار گزینه‌ای اختصاص داده شده است. در این خصوص ذکر چند نکته خالی از فایده نخواهد بود:

۱- در سؤالات تستی به دلیل فراوانی مواد قانونی، کوشش شده است تا مفهوم درس نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ابتدا تست‌های مربوط به فهم درس را مطرح کرده و سپس سؤالات سال‌های قبل قانون که به مواد قانونی مربوط می‌شوند و نیز تعدادی سؤالات تستی تطبیقی- قانونی تألیفی به آن‌ها اضافه شده است تا داوطلب با اینگونه سؤالات نیز آشنا شود.

۲- در کتاب‌های موجود در بازار که در قسمت تست فعالیت دارند، سؤالات تکراری را در کتاب‌های خود جای داده‌اند که امری بسیار مفید و پسندیده است، از آن جهت که داوطلب متوجه می‌شود که از کدام مباحث سؤالات بیشتری مطرح شده است. اما از آنجا که هدف این کتاب تنها مروری بر طرح درس خواهد بود از بیان سؤالات تکراری که در سال‌های قبل طرح شده بود، خودداری کرده و تنها به بیان مهم‌ترین آن‌ها پرداخته‌ایم.

۳- برای آشنایی بیشتر دانش پژوهان عزیز به چند و چون سؤالات سال‌های اخیر پرسش‌های پنج سال اخیر آزمون وکالت آورده شده است.

چنان که پیش از این گفته شد، این کتاب برای اولین بار در زمینه نگارش حقوقی و فقهی تألیف شده؛ بنابراین مانند هر کتاب دیگری خالی از اشکال نخواهد بود. لذا از خواننده محترم استدعا دارم حقیر را از نظرات گرانبهای خویش آگاه سازند. در این خصوص می‌توانید نظرات خود را مستقیماً از طریق آدرس اینترنتی vahidazimitehrani@gmail.com مطرح نمایید.

در پایان بر خود واجب می‌دانم تا از جناب آقای دانشور، مدیر محترم موسسه چتر دانش که امکان انتشار کتاب حاضر را فراهم نموده و مرا در این کار یاری فرمودند و نیز از اینکه اجازه نشر کتاب فوق را تحت عنوان قانون یار داده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

وحید عظیمی تهرانی

پاییز ۱۳۹۳

دیباچه چاپ هفتم

ای همه هستی ز تو پیدا شده

خاک ضعیف، از تو توانا شده

نظامی گنجوی

خداوند بزرگ و منان را بسیار شاکرم که کتاب فوق علاوه بر اینکه مورد توجه دانشجویان قرار گرفته، بسیاری از اساتید نیز آن را به عنوان منبع به دانشجویان معرفی کرده‌اند و بر خود می‌بالم که تأثیر حضور کتاب بیش از عدم آن بوده و با توجه به پیام‌های دریافتی از دانشجویان متوجه شدم که کتاب حاضر علاوه بر اینکه کمکی برای دانشجویان بوده است، مورد استفاده رتبه‌های برتر نیز واقع گردیده است و از سویی دیگر، برخی از دانشجویان با ارسال پیام‌هایی ضمن ابراز لطف، نگاهی ژرف‌تر به اصول را از جمله ویژگی‌های این کتاب دانسته‌اند.

در پایان بر خود واجب می‌دانم باردیگر ضمن ابراز تشکر و قدردانی از تمام کسانی که مؤلف را مورد لطف خود قرار داده و با پیام‌های دلنشین خود باعث ارتقای روحیه‌ام شده‌اند، این امر را یادآوری کنم که تمامی پیشنهادها و انتقاداتی که از طریق ایمیل؛ همچنین از طریق مؤسسه و سایر وسایل ارتباط جمعی، به اینجانب خاطر نشان شده است، با جان و دل پذیرا بوده و بر دیده منت بر آن‌ها نگریسته و از تمامی دانشجویان و اساتید محترمی که پیشنهادهایی را برای بالابردن سطح کیفی مطرح کردند سپاسگزارم و در این خصوص دو مطلب را یادآوری می‌کنم؛

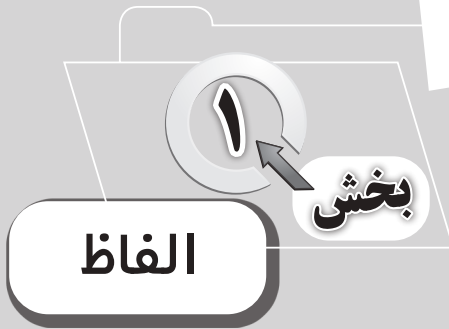
۱- سعی بر آن شد که در چاپ جدید تمامی غلط‌های تایپی اصلاح گردد و با کمترین ضریب اشتباه چاپ گردد.

۲- از آنجا که، در زمان نوشتن کتاب حاضر بسیاری از قوانین در حال تصویب بودند، لذا از قوانین لازم‌الاجرا استفاده گردید و در چاپ فوق تمامی قوانین جدید جاگذاری گردیده و از قوانین منسوخ استفاده نشده است مگر در بیان شاهد مثال برای موضوعی خاص.

امید است که بار دیگر کتاب حاضر بتواند علاوه بر پیشبرد اهداف آموزشی، به منزله‌ی راهنمایی جامع و کامل برای خوانندگان محترم و مورد توجه اساتید معزز قرار گیرد.

وحید عظیمی تهرانی

تابستان ۱۳۹۶



- فصل اول: وضع الفاظ
- فصل دوم: اوامر
- فصل سوم: نواهی
- فصل چهارم: مفهوم و منطوق
- فصل پنجم: عام و خاص
- گفتار ششم: مطلق و مقید
- فصل هفتم: مجمل و مبین

فصل اول: وضع الفاظ

مبحث اول: شرح‌نامه

آنچه که باید در خصوص الفاظ دانست:

۱- دلالت: دلالت هر آن چیزی که از علم به وجود آن، علم به وجود چیز (شیء) دیگر پیدا شود دلالت است. شیء اولی را دال و شیء دومی را مدلول و آن صفت و ویژگی که در شیء اول بود و باعث این راهنمایی و انتقال ذهنی و در واقع دلالت گردید را دلالت می‌نامند.^۱

دلالت را بر سه قسم دانسته‌اند:

الف) دلالت عقلی: که به آن دلالت ذاتی نیز می‌گویند و آن دلالتی را گویند که سبب آن عقل است؛ به عبارت دیگر، به سبب عقل می‌توانیم از دال به مدلول برسیم؛ مانند دلالت دود بر آتش و یا دلالت جای پا بر رونده و یا مثالی که مرحوم مظفر می‌زنند آنکه میان طلوع شمس و روشنایی عالم یا وجود روز ملازمه وجود دارد.

ب) دلالت طبیعی: آن دلالتی است که با توجه به طبع و مزاج انسان (آثار خارجی) به حالات درونی آگاه می‌شویم که برخلاف دلالت عقلی همیشه دال، را به مدلول نمی‌رساند بدین معنا که ممکن است از دال به مدلول نرسیم. مرحوم مظفر این دلالت را با ذکر دو مثال این‌گونه تقسیم کرده‌اند:

۱- طبیعت انسان این‌گونه است که وقتی احساس درد می‌کند آخ می‌گوید (ان یقول: «آخ» عن الحس بالالم)

۲- کثیری از افراد به مقتضای عادت و طبیعت تفرق اصابع می‌کنند مانند اینکه اشخاص به هنگام فکر کردن با تسبیح و یا انگشتر بازی می‌کنند. از دیگر مثال‌هایی که برای دلالت طبیعی می‌توان آورد آن است که خمیازه‌کشیدن دلالت بر خستگی و یا سرخی چهره دلالت بر خجالت می‌کند اما همان‌طور که گفتیم همیشه دال ما را به مدلول نمی‌رساند؛ بدین معنا که ممکن است سرخی چهره دلالت بر خجالت نکند، دلالت بر گرما باشد بر شخص.^۲

ج) دلالت وضعی: که اسامی دیگری برای آن از جمله جعلی یا قراردادی نیز قرار داده‌اند و بدین معناست که سبب آن وضع و قرارداد و اصطلاح خاص است مانند علائم راهنمایی و رانندگی که برای نظم بخشیدن به جامعه بوده و یا پوشیدن لباس سیاه در کشور ما که دلالت بر ماتم می‌کند و در برخی کشورها پوشیدن لباس سفید دلالت بر ماتم می‌کند. دلالت وضعی را بر دو قسم دانسته‌اند:^۳

۱- مرحوم مظفر در تعریف دلالت می‌فرماید: «کون الشیء بحاله اذا علمت بوجود انتقال ذهنک الی وجود شیء آخر» مظفر، محمد رضا، المنطق، صفحه ۴۳

۲- مظفر، محمد رضا، المنطق، صفحه ۴۴

۳- مظفر، محمد رضا، المنطق، صفحه ۴۵

۱- دلالت لفظیه ۲- دلالت غیر لفظیه

۱- دلالت لفظیه: دلالتی است که لفظ برای آن معنا وضع شده است (اذا كان الدال الموضوع لفظاً) مثل دلالت لفظ انسان بر حیوان ناطق.

۲- دلالت غیر لفظیه: دلالت وضعیه و یا اعتباری است که دلالت‌کننده آن غیر از لفظ است مثل اشارات خطوط و نقش‌ها یا همان تابلوهای راهنمایی و رانندگی که در واقع یک دلالت غیر لفظی هستند. یادآوری می‌شود که این تقسیم بندی در دلالت عقلی و طبیعی نیز وجود دارد اما از آنجا که قصد و هدف ما بیان وضع و الفاظ است از توضیح آن‌ها در می‌گذریم.

دلالت لفظیه را نیز بر سه قسم دانسته‌اند که عبارت است از: الف) دلالت مطابقی ب) دلالت تضمینی ج) دلالت التزامی. به این موارد و توضیح و تفسیر آن‌ها، در فصل چهارم (مفهوم و منطوق) خواهیم پرداخت.

از میان سه دلالت فوق، آنچه مدنظر ما در بحث الفاظ است، دلالت وضعی است. هم از این روست که اصولیین در مقدمه الفاظ، از وضع و واضع سخن گفته بنابراین با این مقدمه و روشن شدن بحث برای خواننده که منشأ وضع و واضع چیست، به توضیح مطالب خواهیم پرداخت.

۲- وضع به معنای جعل و قراردادن آمده است و در اصطلاح اصول به معنای آن است که لفظی را در برابر معنایی قرار دهیم. در این صورت لفظ را موضوع یا دال، معنا را مفهومی یا مدلول یا موضوعه و کسی که این جعل را ایجاد کرده است، واضع و به عمل وی، وضع گفته می‌شود.

۳- وضع را از جهتی به دو قسم تقسیم کرده‌اند که عبارت است از:

الف) وضع تعیینی (تخصیصی): وضع تعیینی آن است که واضع در آن مشخص بوده و لفظی را در برابر معنایی قرار می‌دهد. به عنوان مثال، شهرداری نام خیابانی را انقلاب و نویسنده‌ای نام کتاب خود را تحریرالروضه می‌نهد. در این دو مثال، شهرداری و نویسنده را واضع، انقلاب و تحریرالروضه را دال (موضوع) و نام خیابان و اثر نویسنده را مدلول و یا موضوعه می‌نامند.

ب) وضع تعیینی (تخصیصی): در این وضع، واضع مشخص نیست و یک گروه در اثر کثرت استعمال یک لفظ در برابر معنایی، آن معنا را در برابر آن لفظ جعل می‌کنند. به عنوان مثال لفظ قانون ابتدائاً در معنای خط‌کش مورد استفاده قرار گرفته و سپس به علت کثرت استعمال معنای قوانین و مقررات برای آن وضع گردیده. بنابراین تفاوت وضع تعیینی با تعیینی در واضع آن‌هاست. واضع در اولی مشخص و در دومی کثرت استعمال است.

۴- وضع تعیینی نیز بر دو قسم است: اگر واضع صراحتاً لفظی را در مقابل معنایی جعل کند آن وضع، وضع تعیینی صریح خواهد بود اما اگر صراحتاً این کار را انجام ندهد بلکه به طور ضمنی و از طریق کاربرد لفظ در برابر معنا مدلول را بشناساند، وضع تعیینی ضمنی خواهد بود.

۵- لفظ را از چندین منظر تقسیم کرده‌اند: در تقسیم اول از جهت تعدد معناست که بر ۳ قسم است: الف) تک معنا یا مختص: در این قسم، لفظ تنها بر یک معنی دلالت می‌کند لفظ مختص ممکن است بر یک معنای جزئی دلالت کند؛ مانند مالک و یا لفظی که یک فرد و یک مصداق معین نداشته باشد.

مانند اسامی شهرها، کشورها و ... (ب) مترادف یا هم معنا: در این قسم، الفاظ متعدد هستند اما تنها یک معنا بر همه آن‌ها دلالت می‌کند؛ به عنوان مثال، الفاظی همچون حراج و مزایده، شکار و صید، مترادف محسوب می‌شوند. در این خصوص، برخی از اساتید معتقدند دو لفظ غیررشدید و سفیه نیز مترادف محسوب می‌شوند.^۱ اما برخی دیگر به درستی گفته که لفظ غیررشدید از سفیه عام‌تر بوده و نمی‌توان این دو لفظ را مترادف یکدیگر دانست،^۲ لذا نکته‌ای که باید در این خصوص خاطر نشان کرد آن است که یک لفظ باید از کلیه جهات مترادف با لفظ دیگر باشد. (ج) چند معنا: در این قسم، ما یک لفظ داریم با معانی متعدد (عکس حالت ب) که برای این حالت ۳ فرض متصور است:

(الف) مشترک: که بر دو قسم است: مشترک معنوی و مشترک لفظی.

مشترک معنوی آن است که یک معنای کلی دارد اما صادق بر افراد عدیده است؛ به عنوان مثال انسان که یک معنای کلی دارد اما مصادیق متعددی دارد. نمونه بارز مشترک معنوی در عالم حقوق لفظ بیع و یا نکاح می‌باشد که یک معنای کلی داشته اما مصادیق متعددی بر آن‌ها وارد می‌شود. مشترک لفظی، لفظی است که در بردارنده چند معنای حقیقی می‌باشد به عنوان مثال شیر به معنای شیر خوردنی، حیوان درنده و شیر آب وضع گردیده. نکته‌ای که در این خصوص باید خاطر نشان کرد آن است که اگر لفظی، هم دارای معنای حقیقی و هم مجازی باشد، لزوماً نمی‌توان حکم به مشترک لفظی بودن آن داد.

(ب) منقول: هر گاه یک لفظ در مقابل معنایی جعل شده باشد و سپس آن را از یک معنا به معنای دیگری نقل داده باشند به نحوی که معنای نخستین آن لفظ متروک گردد و اگر بدون قرینه استعمال شود، تنها معنای دوم به ذهن متبادر می‌گردد، آن را منقول می‌نامند. اگر ناقل آن شرع باشد، منقول شرعی و اگر عرف باشد، منقول عرفی نامیده می‌شود. به طور مثال لفظ حج در لغت به معنای قصد و آهنگ بوده و سپس شارع آن را برای اشاره به عبادت خاص به کار برده است که در این صورت به این نقل، منقول شرعی می‌گویند و یا لفظ مکتب که به محل آموزش (مدرسه امروزی) اطلاق می‌شد اما امروزه به مجموعه دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها اطلاق می‌گردد. بدین ترتیب، به این نقل نیز منقول عرفی گفته می‌شود.

(ج) حقیقت و مجاز: در موارد آتی این ۲ را به صورت مشروح توضیح خواهیم داد.

۶- در تقسیم دوم از لفظ، لفظ را به جزئی و کلی تقسیم کرده‌اند:

لفظ جزئی لفظی است که شامل یک معناست. به عبارت دیگر صادق بر شخص معینی است اما لفظ کلی همان‌طور که پیش از این بیان شد، لفظی است که صادق است بر افراد عدیده (بنابراین کلی و مشترک معنوی با هم مترادف خواهند بود).

۷- همان‌طور که بیان کردیم اگر یک لفظ دارای چند معنا باشد، برای آن ۳ حالت بیان کردیم که یکی از آن موارد، حقیقت و مجاز بود. در تعریف حقیقت باید گفت: استعمال لفظ در معنای موضوع‌له

۱- صفایی، سیدحسن و قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین) ص ۳۳۹

۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۴۴